



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

جزوه عربی دوازدهم

تهیه و تنظیم :

هادی پورلادی



فهرست مطالب

عربی دوازدهم	۳
درس ۱	۴
درس ۲	۱۸
درس ۳	۳۴
درس ۴	۵۰
پاسخنامه	۶۶





عربی دوازدهم مکمل

تجهیه و تنظیم: هادی پولادی

09147688263 @Arabi_Pouladi

09147688263

@Arabi_Pouladi

جزوه عربی پولادی



🌟 لغات مهم درس اول :

آلهة : خدایان (مفرد : إله)	أَحْضَرَ : حاضر کرد (أَحْضَرَ / يُحْضِرُ)	أَصْنَام : بت ها (مفرد : صَنَم)
أَعْنَى : (أَعْنُ + ن + ی) مرا یاری کن (فعل امر از أَعَانَ / يُعِينُ)	أَقِمَّ : به پا دار (فعل امر از (أَقَامَ / يُقِيمُ))	أَقِمَّ وَجْهَكَ : روی بیاور
	الأنشودة : سرود (جمع : الأناشید)	اِكتَشَفَ : کشف کرد
أَنَّرَ : روشن کن (فعل امر از (أَنَارَ ، يُنِيرُ))	إِحْمَنِ : (إِحْمُ + ن + ی) مرا حمایت کن (فعل امر از (حَمَى / يَحْمِي))	تَدَيَّنَ : دینداری حَنِيف : یکتاپرست
الإنشراح : شادمانی بَعَثَ : برانگیختن ، رستاخیز	تَجَنَّبَ : دوری کردن (مصدر از (تَجَنَّبَ / يَتَجَنَّبُ))	البَسَمَات : لبخندها (مفرد : البَسْمَة)
حَضَارَة : همدن داء : بیماری	الْحَطَّ : بخت ، شانس، نصیب (جمع : الحُطُوظ)	سُدِّيَ : بیهوده ، باطل ، بی هدف شَعَائِرَ : مراسم ، شعارها
تَهَامَسَ : پچ پچ کرد (تَهَامَسَ / يَتَهَامَسُ)	حَدَّثَ : صحبت کرد (حَدَّثَ / يُحَدِّثُ) سَجَنَ : زندان (جمع : سُجُون)	حَرَّقُوا : بسوزانید (فعل امر از (حَرَّقَ / يُحَرِّقُ))
السَّلام : آشتی ، صلح	سيرة : روش ، شیوه ی زندگی	عافية : سلامتی
صِرَاع : کشمکش ، مبارزه (مصدر از (صَارَعَ ، يُصَارِعُ))	طين : گل فَأَسَ : تبر	عَظُم : استخوان قَرَابِين : قربانی ها (جمع : قُرْبَان)
عَلَّقَ : آویزان کرد (عَلَّقَ / يُعَلِّقُ)	قِيلَ : گفته شد، فعل مجهول از (قَالَ / يَقُولُ)	قَذَفُوا : انداختند (قَذَفَ / يَقْدِفُ)
كَسَرَ : شکست (كَسَرَ / يُكْسِرُ)	الدار : خانه أَسَوَّأَ : بدتر	المُجِيب : اجابت کننده ، پاسخ دهنده
مُدَوَّنَة : وبلاگ	كَتِفَ : شانه ، کتف (اکتاف)	نُقُوش : کنده کاری ها ، نگاره ها (مفرد : نقش)
مَفْسَدَة : عامل تباهی و فساد	مرصوص : استوار ، محکم	
تَأَكَّدَ : مطمئن شد	تَبِعَ : تعقیب کرد	خِداَع : فریب
مَكْسُور : شکسته	خُذُوا : بگیرید	كونوا : باشید
لَا تَطْعَمُوا : نخورانید ، اطعام نکنید	جائع : گرسنه	تَكْتَسِبُونَ : کسب می کنید، به دست می آورید (اِكتَسَبَ ، يَكْتَسِبُ)

۱. عَيْنُ الْخَطَا عَنْ تَكْمِيلِ الْفَرَاقَاتِ:

۱. هو التارك للباطل و المائل إلى الدين الحق! الحنيف
۲. الأم للعشاء طعاماً لذيذاً من القمح! أحضرت
۳. نوع من أشربة حُرِّم شربها في الإسلام! الصنم
۴. هذه تدلّ على وجود حضارة قديمة كانت هناك! النقوش

۲. عَيْنُ الْخَطَا فِيمَا يَلِي:

۱. الإبتعاد عن المعاصي يسبب الاقتراب من الجنة! مرادفه « التجنّب »
۲. استقرّ السّلم في البلاد بعد تلك الحرب العظيمة! مرادفه « الصراع »
۳. ازدادت خرافات الناس في أديانهم على مرّ العصور! مضاده « قلّ »
۴. رمي القوم إبراهيم في النّار و لكنّ الله أنفذه! مرادفه « قذف »

۳. « الناس إبراهيم في النّار لأنّه كان قد أصنامهم بـ ولكنّ الله أنفذه! » عَيْنُ الصّحیح للفرّاق:

۱. جَعَلُوا - خَرَّبَ - النَّحَاسِ
۲. قَدَفُوا - كَسَّرَ - الْفَاسِ
۳. عَلَّقُوا - صَارَعَ - النَّحَاسِ
۴. جَعَلُوا - تَجَنَّبَ = الْفَاسِ
۴. « في بعض الأديان غير الإلهيّة عبادات تكون خرافيّة مثل تعدّد الآلهة و تقديم القرابين لها لكسب رضاها و تجنّب شُرورها! » كم جمعاً سالمًا و جمع تكسير - على التّرتيب - جاء في العبارة؟

۱. واحد ، أربعة
۲. اثنان ، ثلاثة
۳. واحد ، خمسة
۴. اثنان ، أربعة

۵. « هذه على وجهك تدلّ على أنّك فإنّي أعاهدك أنّ حياتك بالسرور و الفرح! »:

۱. الأناشيد - رَحَّبَتْنِي - أُسَجِّلَ
۲. البسمات - سامحتني - أَمَلًا
۳. البسمات - سخرت مني - أحوّل
۴. الأناشيد - جرّحتني - أحسن
۶. « قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ » عَيْنُ الصّحیح في ترجمة المفردات الّتي أُشيرت إليها بخطّ:

۱. گفت - می دانند - اکرام کنندگان
۲. گفته شد - بدانند - اکرام شدگان
۳. گفت - آگاه بودند - گرامی شدگان
۴. گفته شد - بدانند - گرامی دارندگان

۷. « لا يُمْكِنُ لِلْأَصْنَامِ أَنْ تَنْطِقَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ يَرِيدُ أَنْ يَسْخَرَ مِنْهَا فِصْرَقُوهُ وَ اِرْمُوهُ النَّارَ » عَيْنُ الصّحیح:

۱. که حرف بزند - که ما را مسخره کند - او را بسوزانید
۲. تا سخن بگوید - که ما او را مسخره کنیم - او را سوزاندند
۳. که سخن بگویی - ما را مسخره کند - او را سوزاندند
۴. که حرف بزنی - ما را مسخره می کند - او را سوزاندند
۸. « بعدما فهم المدرّس أنّ زميلی كَسَرَ أَنْفِي فِي الصَّفِّ فَأَخْرَجَهُ مِنَ الصَّفِّ وَ بدأ زملائي يَتَهَامِسُونَ » عَيْنُ الصّحیح حسب الجملة:
۱. شکسته است - خارج شد - پیچ می کنند
۲. شکسته شد - خارج کرد - پیچ کردن
۳. شکست - بیرون کرد - پیچ کردن
۴. شکسته شد - اخراج کرد - پیچ می کنند

● حروف مشبہہ بالفعل :

این حروف بر سر جملہ اسمیہ می آیند و مبتدا را منصوب و خبر را مرفوع می کنند. در این حالت به مبتدا، اسم حروف مشبہہ بالفعل می گوئیم و به خبر، خبر حروف مشبہہ بالفعل می گوئیم.

حروف مشبہہ بالفعل عبارتند از:

أَنَّ (که - اینکه) - إِنَّ (همانا - بدرستی که - قطعاً - بی گمان) - كَأَنَّ (گویی - مانند) - لَيْتَ (ای کاش) - لَعَلَّ (شاید - امید است) - لَکِنَّ (اما)

مثال: اللَّهُ عَلِيمٌ (الله مبتدا - عليم خبر) ﴿ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ ﴾ (الله اسم إِنَّ - عليم خبر إِنَّ)

● انواع اسم حروف مشبہہ بالفعل :

(۱) اسم ظاهر : إِنَّ الصَّلَاةَ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ (الصَّلَاةُ اسم إِنَّ)

(۲) ضمیر بارز : إِنَّهُ نَشِيطٌ (ضمیر هُ اسم إِنَّ)

● انواع خبر حروف مشبہہ بالفعل :

الف (خبر مفرد) ب (خبر جملہ) فعلیه - اسمیه (ج) شبه جملہ

إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ (نا اسم إِنَّ - سَمِعْنَا خبر إِنَّ از نوع جملہ فعلیه)

لَيْتَ أَخَاهُ قَلْبُهُ رَوْفٌ (اخا اسم إِنَّ - « قلبه رَوْفٌ » خبر إِنَّ از نوع جملہ اسمیه)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (الانسان اسم إِنَّ - لَفِي خُسْرٍ خبر إِنَّ از نوع شبه جملہ)

إِنَّ الْمُسْلِمَ مَنْ لَا يُؤْذِي النَّاسَ (الْمُسْلِمُ اسم إِنَّ - مَنْ خبر إِنَّ از نوع خبر مفرد)

● نکات تکمیلی :

(۱) خوب است بدانیم :

گاهی به دنبال حروف مشبہہ بالفعل حرف (ما) می آید که به آن (ما) ی کافه و بازدارنده می گویند یعنی مانع عمل حروف مشبہہ بالفعل می شود و مبتدا و خبر را به حالت خود (مرفوع) باقی می گذارد و در آن تغییری ایجاد نمی کند . (در ترجمه : فقط ، منحصرأ)

المؤمنون إخوة ﴿ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِخْوَةٌ ﴾ ﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾

(۲) هرگاه یکی از حروف مشبَّهٌ بالفعل بر سر ضمایر منفصل مرفوعی (هُوَ - هُمَا ... أَنْتَ ...) وارد شود ، این ضمایر به ضمایر متصل منصوبی معادل خود تغییر می یابند و در صورت آمدن (ما) کافه به حالت اول خود بر میگردند .

أَنْتُمْ مُؤْمِنُونَ ⇐ إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ ⇐ إِيَّاهُ أَنْتُمْ مُؤْمِنُونَ
 أَنْتُمْ مُجِدُّونَ ⇐ كَأَنَّكُمْ مُجِدُّونَ ⇐ كَأَنَّهَا أَنْتُمْ مُجِدُّونَ

دقت: كَأَنَّ با كَانَ اشتباه گرفته نشود .

(۳) (إِنَّ) که معمولاً در آغاز عبارت می آید ، بیانگر معانی تاکید است بنابراین جمله هایی که دارای (إِنَّ) می باشند در ترجمه فارسی معمولاً همراه کلماتی از قبیل : (همانا، براستی، حتماً و ...) می آیند و گاهی هم می توانیم از آن ها استفاده نکنیم .

همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.
 خداوند آمرزنده و مهربان است.

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

(۴) (أَنَّ) معمولاً در میان دو عبارت می آید و به معنای حرف ربط فارسی (که) یا (اینکه) است که دو عبارت را به همدیگر پیوند می دهد .

مثال : عَلِمْتُ أَنَّ أَخَاكَ نَاجِحٌ : (دانستم که برادرت قبول است)

(۵) معنای (إِنَّ) و (أَنَّ) در ترکیب با کلمات دیگر چنین خواهد بود .

إِلَّا أَنَّ (جز اینکه ، اما) - حَيْثُ أَنَّ (چون ، زیرا) - مَعَ أَنَّ (با اینکه) - لِأَنَّ (برای اینکه ، زیرا ، چون)
 رَغْمَ أَنَّ (علی رغم اینکه ، هر چند که ، با وجود اینکه) - غَيْرَ أَنَّ (جز اینکه)

(۶) **لَيْتَ** بعضی اوقات به صورت **يَا لَيْتَ** استفاده می شود . **لَيْكِنَّ** برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام از جمله ماقبل خودش استفاده می شود .

يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا : کافر می گوید ای کاش خاک بودم .

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ : همانا خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند .



هشدار: لکن را با لکن (بدون تشدید) اشتباه نگیرید. لکن حرف عطف بوده و جزو حروف مشبّهه بالفعل نیست و همراه فعل ها هم استفاده می شود.

(۷) (لَيْتَ وَ لَعَلَّ) + فعل مضارع = مضارع التزامی مثال: لَيْتَ الشَّبَابَ يَعُودُ : ای کاش جوانی برگردد.

(۸) لَيْتَ + فعل ماضی = ماضی استمراری (یا ماضی بعید)

مثال: لَيْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ : کاش ناصر از تنبلی دوری می کرد (دوری کرده بود)

(۹) اگر بخواهیم بعد از (لَيْتَ) یا (لَعَلَّ) ماضی استمراری بیاوریم بهتر است از ساختار (کَانَ + مضارع) کمک بگیریم: لَيْتَ النَّاسُ كَانُوا يَفْهَمُونَ حَقِيقَةَ كَلَامِ الْأَنْبِيَاءِ : کاش مردم حقیقت سخن انبیاء را می فهمیدند.

هشدار: (لَيْتَ) از حروف مشبّهه بالفعل است و (لَيْسَ) جزو افعال ناقصه. این دو را اشتباه نگیرید.

(۱۰) موارد کاربرد (إِنَّ):

الف) هرگاه در ابتدای جمله آورده شود. مثال: إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي صُدُورِكُمْ

ب) بعد از فعل (قَالَ) و مشتقات آن قرار گیرد. مثال: قَالَ: إِنَّهُ عَلِيمٌ

ج) بعد از منادی قرار بگیرد. مثال: رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا

(۱۱) انواع ان:

إِنَّ: ابتدای جمله شرطیه می آید و فعل شرط و جواب آنرا مجزوم می کند.

أَنَّ: همراه فعل مضارع می آید و آن را منصوب می کند.

إِنَّ: ابتدای جمله اسمیه می آید و حالت تأکید دارد.

أَنَّ: همراه جمله اسمیه به کار میرود و مثل حروف ربط دو جمله را به هم وصل میکند.

نتیجه: (إِنَّ وَأَنَّ) همراه فعل می آیند ولی (إِنَّ وَأَنَّ) همراه فعل نمی آیند.



عنوان و تیتیر سؤالات حروف مشبهه بالفعل

- ✓ عَيْن ما فيه من الحروف المشبهة بالفعل [إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ]
- ✓ عَيْن حرفاً جاء للتعليل ← [معمولاً فَإِنَّ بعد از فعل طلبی (امر و نهی) و لَأَنَّ]
- ✓ عَيْن الكلمة التي ترفع الإبهام عن جملة ما قبلها ← [لَكِنَّ]
- ✓ عَيْن العبارة التي تدلُّ على الرجاء لوقوع الفعل ← [لَعَلَّ]
- ✓ عَيْن الكلمة التي تُكْمَلُ جملة ما قبلها ← [لَكِنَّ]
- ✓ عَيْن حرفاً جاء للتأكيد ← [إِنَّ]
- ✓ عَيْن عبارة أُكِّدَ معناها ← [إِنَّ]
- ✓ عَيْن حرفاً يُؤَكِّد مضمون الجملة ← [إِنَّ]
- ✓ عَيْن حرفاً يربط بين الجملتين ← [أَنَّ]
- ✓ عَيْن حرفاً جاء للربط بين الجملتين ← [أَنَّ]
- ✓ عَيْن حرفاً جاء للتشبيه ← [كَأَنَّ]
- ✓ عَيْن ما لا يُمكن وقوعه ← [لَيْتَ]
- ✓ عَيْن حرفاً جاء للتمني ← [لَيْتَ]
- ✓ عَيْن حرفاً يكمل مقصود الجملة ← [لَكِنَّ]
- ✓ عَيْن ما لا ترجو وقوعه ← [لَيْتَ]
- ✓ عَيْن حرفاً جاء لرفع الإبهام عن ما قبله ← [لَكِنَّ]
- ✓ عَيْن حرفاً جاء للتأكيد ← [كَأَنَّ]
- ✓ عَيْن حرفاً يُغَيِّرُ معنى الفعل ← [لَيْتَ و لَعَلَّ]
- ✓ عَيْن حرفاً جاء للترجي ← [لَعَلَّ]

• لای نفی جنس (لا الناسخة):

عاملی است که بر سر جملات اسمیه وارد می شود و مانند حروف مشبهه بالفعل عمل می کند یعنی مبتدا را به عنوان اسم ، منصوب و خبر را به عنوان خبر خود مرفوع می کند.

لا ثَمَرَةَ نَاضِجَةً : (هیچ میوه ای رسیده نیست) (ثَمَرَةُ اسم لای نفی جنس - ناضجة خبر لای نفی جنس)

فرق لای نفی جنس با « لیس » این است که لیس معنای ساده « نیست » را می رساند ولی « لا » معنای « هیچ ... نیست » را می رساند و به نوعی نبودن چیزی را با تاکید و شدت می گوید :

لیس فی قَرِیتِنَا طَیِّبٌ : در روستای ما پزشکی نیست . لاطَیِّبٌ فی قَرِیتِنَا : هیچ پزشکی در روستای ما نیست .

نکات تکمیلی :

(۱) (لا) نفی جنس بر سر جمله اسمیه وارد می شود . (لای نفی جنس + اسم نکره مفرد)

هشدار : از مصدرهایی که ظاهرشان شبیه اسم ها می باشد مواظب باشید تا آنها را فعل نگیرید : مثلاً لاَنْفَع ، لاَتَعَلَّم ، لاَتَبَادَل ، و ...

(۲) اسم لای نفی جنس همیشه مبنی بر فتح و محلاً منصوب است یعنی هیچ گاه تنوین نمی گیرد .

(۳) اسم لای نفی جنس همیشه نکره است یعنی (ال) قبول نمی کند.

(۴) خبر لای نفی جنس همیشه مرفوع است .

(۵) هیچگاه خبر لای نفی جنس بر اسمش مقدم نمی شود .

(۶) در ترجمه لای نفی جنس غالباً از کلماتی هم چون (هیچ ... نیست) یا (اصلاً ... نیست) استفاده می کنیم.

هشدار ۱ : در برخی موارد کلمه (هیچ) را در ترجمه لای نفی جنس نمی آوریم : مثلاً لاَبَدَّ (ناچار)

هشدار ۲ : وقتی عبارتی با (ما + مِن + اسم نکره ...) شروع می شود در ترجمه آن نیز از (هیچ ... نیست) استفاده می کنیم : ما مِن رَجُلٍ یَغْرِسُ غَرْساً إِلَّا کَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْاَجْرِ : هیچ مردی نیست که

(۷) در ترجمه اسم لای نفی جنس ، معمولاً مثل نکره ها ترجمه می کنیم : لارَجُلٌ : هیچ مردی

دقت کنیم اگر بعد از لای نفی جنس ، فعلی به کار رود آن فعل هم به صورت منفی ترجمه می شود (از کلمه نیست استفاده نمی کنیم) :

لاَتَلْمِیْذُ رَسَبَ فی هَذِهِ الْاِمْتِحاناتِ : هیچ دانش آموزی در این امتحانات مردود نشد .

(۸) خبر لای نفی جنس به سه صورت ظاهر می شود :



الف) اسم (خبر مفرد) : لَشَىءَ أَجْمَلُ مِنَ الصَّبْرِ : (هیچ چیزی زیباتر از صبر نیست)

ب) جمله : لَانَصِيحَةَ تَنْفَعُ الْعَنُودَ : (هیچ نصیحتی به شخص لجباز سود نمی بخشد)

ج) شبه جمله : لَا شَىءَ قَبْلَهُ : (هیچ چیزی قبل از آن نیست)

مثال:

- نتیجه الف) لَا طَالِباً فِي الْبَيْتِ (غلط)

- نتیجه ب) لَا الطَّالِبَ فِي الْبَيْتِ (غلط)

لَا طَالِبٍ فِي الصَّفِّ

- نتیجه ج) لَا فِي الْبَيْتِ طَالِبَ (غلط)

- ترجمه: (هیچ دانش آموزی در کلاس نیست) (صحیح)

نکته: گاهی خبر لای نفی جنس محذوف (حذف شده) می باشد و این در موارد زیر اتفاق می افتد :

الف) اگر بعد از (لا) نفی جنس دو کلمه (إِلَّا) یا (سِوَى) قرار بگیرد خبر کلمه (موجود) محذوف است.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (إله اسم لای نفی جنس - خبر محذوف) در اصل ﴿ لَا إِلَهَ مَوْجُودٌ إِلَّا اللَّهُ ﴾

لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ (معبود اسم لای نفی جنس - خبر محذوف) در اصل ﴿ لَا مَعْبُودَ مَوْجُودٌ سِوَاكَ ﴾

ب) گاهی خبر (لا) نفی جنس به خاطر وجود قرینه ای در جمله قبل، حذف می گردد.

لَا قِيَمَةَ لَهُ وَلَا شَأْنَ (قِيَمَةُ اسم لای نفی جنس - لَهُ خبر لا / شَأْن اسم لا - خبر محذوف)

در اصل ﴿ لَا قِيَمَةَ لَهُ وَلَا شَأْنَ لَهُ ﴾

ج) در اصطلاحات (که بعد از اسم لا هیچ کلمه ای واقع نمی شود) :

لَا بُدَّ (ناگزیر) - لَابَأْسَ (اشکالی ندارد) - لَأَشَكَّ (هیچ شکی نیست) - لَأَرِيبَ (هیچ شکی نیست)



یادآوری:

- (لا) نفی : بر سر فعل مضارع قرار می گیرد و تغییری در آن ایجاد نمی کند. (لا + فعل مضارع مرفوع)

مثال : و اللّٰهُ یَعْلَمُ و انْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ : و خدا می داند ولی شما نمی دانید .

- (لا) نهی : بر سر فعل مضارع قرار می گیرد و آن را مجزوم می کند. (لا + فعل مضارع مجزوم)

مثال : لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ و ادْخُلُوا مِنْ ابْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ : از یک در وارد نشوید و از درهای مختلف وارد شوید .

- (لا) نفی جنس : بر سر اسم در اول جمله اسمیه قرار می گیرد. (لا + اسم نکره)

مثال : لَا تَلْمِیْذٌ فِی الصَّفِّ : هیچ دانش آموزی در کلاس نیست .

- (لا) حرف عطف : بین دو اسم تنوین دار و یا دو اسم ال دار قرار می گیرد. (اسم + لا + اسم)

مثال : قَرَأْتُ الْمَجْلَدَ لَا الصَّحِیفَةَ : مجله را خواندم نه روزنامه را

- لا جواب به معنی (نه) : در پاسخ به سوال (هَلْ) و (أ) :

مثال : أَأَنْتَ مِنْ تَبْرِیزَ : لا ، أَنَا مِنْ تَهْران

هشدار :

مواظب کلمه (آلا : آگاه باش) باشید که جزو هیچکدام از انواع لای ذکر شده نیست .

مثال : أَلَا یَذْکُرِ اللّٰهُ تَطَمَنُّ الْقُلُوبِ



۹. عین الخطأ:

۱. إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجَرَ الْمُحْسِنِينَ: بی شک الله، پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند!
۲. أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: می دانم یقیناً الله بر هر چیزی توانا است!
۳. كَانَ إِِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةً لَا تَدْرُكُ: گویی راضی ساختن مردم هدفی است که به دست نمی آوریم!
۴. يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا: کافر می گوید: ای کاش خاک بودم!
۱۰. «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»:

۱. همانا ما قرآن را به عربی قرار دادیم، شاید شما خردورزی کنید!
۲. بی شک ما آن را قرآن عربی قرار داده ایم، شاید بیندیشید!
۳. یقیناً ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، شاید شما تعقل ورزید!
۴. بی گمان ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم به این امید که شما اندیشه کنید!
۱۱. «فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»: پس.....

۱. این است روز قیامت، لیکن شما نمی دانید!
۲. این روز رستاخیز است اما شما نمی دانید!
۳. آن همان روز جزاست، لیکن شما نمی دانستید!
۴. این روز رستاخیز است ولیکن شما نمی دانستید!
۱۲. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»:

۱. یقیناً خداوند کسانی را که در راهش کشته می شوند، دوست می دارد، گویا آن ها بنایی محکم هستند!
۲. به درستی که خدا کسانی را که در راه او پیوسته مبارزه می کنند دوست دارد، گویا شما دارای گروهی استوار هستید!
۳. قطعاً خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او در یک صف می جنگند؛ گویا آن ها ساختمانی استوار هستند!
۴. خداوند کسانی را که در راه او همچون صفی می گشند دوست می دارد، مثل این که آن ها بنایی محکم دارند!
۱۳. «لِنَكْسِرَ كُلَّ الْأَصْنَامِ الْمَوْجُودَةِ فِي نَفُوسِنَا لِأَنَّ الْقُرْآنَ قَدْ حَدَّثَنَا عَنْ شَرِّهَا»: :

۱. برای این که همه بت های موجود در نفسمان را بشکنیم قرآن از شرّش برای ما سخن گفته است!
۲. باید همه بت های موجود در نفس خود را بشکنیم، زیرا قرآن با ما در مورد بدی آن سخن گفته است!
۳. همه بت های موجود در نفس را می شکنیم، زیرا قرآن از بدی آن با ما سخن می گوید!
۴. باید هر بت موجود در نفس خود را بشکنیم، زیرا قرآن از شرّ آن برای ما سخن گفته است!
۱۴. «إِنَّ صِرَاعَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ قَدْ كَانَ لَتَبِيْنُ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ!»:

۱. کشمکش پیامبران خداوند با اقوام کافر خود برای آشکار شدن راه مستقیم بوده است!
۲. یقیناً دعوای پیامبران خداوند با اقوامشان که کافر بودند برای بیان کردن راه مستقیم است!



۳. همانا کشمکش پیامبران خداوند با اقوام کافرشان بوده است تا راه مستقیم را بیان کند!

۴. نزاع پیامبران خداوند با اقوام کافر برای آشکار شدن راه درست می باشد!

۱۵. « أَصْنَامُ النَّاسِ الْمَكْسُورَةُ فِي قِصَّةِ إِبْرَاهِيمَ (ع) تُبَيِّنُ أَنَّهُ كَانَ يَطْلُبُ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ هَذِهِ الْخَرَافَاتِ! »:

۱. بت های مردم در داستان ابراهیم (ع) شکسته شد و بیان کرد که او قصد داشت که قومش را از عبادت این خرافه ها نجات دهد!

۲. بت های شکسته مردم در قصه ابراهیم (ع) آشکار شد که همانا او می خواهد که قومش از عبادت این خرافات نجات داده شود!

۳. بت های شکسته شده مردم در داستان ابراهیم (ع) بیان می کند که او می خواست قوم خود را از عبادت این خرافات نجات دهد!

۴. بت های شکسته شده مردم در قصه ابراهیم (ع) آشکار شد تا او بتواند قومش را از عبادت آن خرافات رهایی دهد!

۱۶. « قَدْ بَيَّنَّتِ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا الْإِنْسَانُ مِنَ الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ التَّدْيِينَ الْفَطْرِيَّ فِي الْإِنْسَانِ! »:

۱. تمدن هایی که انسان آن ها را از آثار قدیمی شناخته است، دینداری ذاتی را در انسان آشکار کرده است!

۲. تمدن هایی که به انسان ها در آثار قدیمی معرفی شد، دین فطری انسان را بیان کرده است!

۳. گاهی تمدن هایی که انسان از آثار قدیمی شناخته است دینداری فطری در انسان را بیان می کند!

۴. در تمدن هایی که انسان به وسیله آن آثار کهن را شناخت دینداری ذاتی انسان بیان شده است!

۱۷. « لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمُ الْمَكْسُورَةَ تَهَاوَسُوا : يَا لَيْتَنَا مَا خَرَجْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ! »:

۱. مردم زمانی که دیدند بت هایشان شکسته شده با یکدیگر پج پج کردند: کاش از شهر خارج نمی شدیم!

۲. در این زمان مردم بت های شکسته شده را دیدند، پس پج پج کردند: ای کاش به خارج شهر نمی رفتیم!

۳. زمانی که مردم بت های شکسته شده شان را دیدند، پج پج کردند: ای کاش از شهر خارج نشده بودیم!

۴. وقتی مردم دیدند بت هایشان شکسته شده است، پج پج کنان گفتند: کاش به بیرون شهر نرفته بودیم!

۱۸. « سَيُحْضَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَسْأَلُهُمُ اللَّهُ: أَمْ كُنْتُمْ تَحْسِبُونَ أَنَّكُمْ تُتْرَكُونَ سُدًى؟ »:

۱. مردم در روز قیامت حاضر خواهند شد و خداوند از آنان می پرسد: آیا خیال می کردید که شما بیهوده رها می شوید؟

۲. مردم را در روز قیامت حاضر خواهند کرد و خداوند از آنان خواهد پرسید: آیا خیال کرده بودید که بی هدف رها می شوید؟

۳. در روز قیامت مردم را حاضر خواهند کرد و خداوند از ایشان سؤال می کند: شما خیال می کردید که پوچ و بیهوده رها می شوید؟

۴. مردم در روز قیامت حاضر خواهند شد تا خداوند از آنان سؤال کند: آیا می پنداشتید که بیهوده رهایتان می کنیم؟

۱۹. « لَنْ تَجِدُوا فِي الْكُفْلِ مَا يُسَبِّبُ نَجَاحَكُمْ ؛ فَإِنَّهُ لَا نَجَاحَ لِمَنْ لَا يُحَاوِلُ لَأَهْدَافَهُ! »:

۱. در تنبلی آن چه را که سبب موفقیتتان شود، نخواهید یافت؛ زیرا برای کسی که برای اهدافش تلاش نمی کند، هیچ موفقیتی وجود ندارد!

۲. آن چه را که باعث موفقیت شما شود، در تنبلی هرگز نمی یابید، چه کسی که برای اهداف خود تلاش نکند، موفق نخواهد شد!

۳. هرگز در تنبلی چیزی که باعث موفقیت شود، یافت نخواهد شد؛ زیرا هیچ موفقیتی برای کسی که تلاش نکرده است، وجود ندارد!

۴. در تنبلی چیزی را که دلیل موفقیتتان باشد، نمی یابید؛ چه ، کسی که برای هدف های خود تلاش نمی کند ، موفق نمی شود!



۲۰. « لاخیر فی وّد شخص یجّرک إلی الضلالة بأعماله القبیحة! »:

۱. در دوستی با کسی که با اعمال زشت تو را به گمراهی می کشاند ، خیری نمی یابی!
۲. در دوستی با شخصی که کارهای زشتش باعث کشانده شدن تو به تباهی می شود، خیری نیست!
۳. هیچ خیری در دوستی با کسی که با اعمال زشتش تو را به گمراهی می کشاند ، نیست!
۴. دوستی با کسی که تو را با کارهای زشت به تباهی می کشاند، خیری به تو نمی رساند!

۲۱. عین الصّحیح:

۱. لا یَحْزَنُهُمْ قول الّذین کفروا بالیوم الآخر! : سخن کسی که روز واپسین کافر شده است، آن ها را ناراحت نمی کند!
۲. لا تأکلون ممّا لم یذکر اسم الله علیه! : از آن چه اسم خداوند بر آن ذکر نشده، نخورید!
۳. إنّکُنْ لا تقصّرون فی أداء الواجبات الدّراسیّة! : شما نباید در انجام تکالیف درسی تان کوتاهی کنید!
۴. لا رجاء لنجاة من غرق فی الذّنوب! : هیچ امیدی به نجات کسی که در گناهان غرق شده است، نیست!

۲۲. « کاش انسان در آینده بتواند دستگاهی اختراع کند که احساسات را تشخیص دهد! »:

۱. لیت البشر یقدر علی اختراع آلة فی المستقبل تمیّز الأحاسیس!
۲. لعلّ الإنسان یستطیع أن یخترع آلة تمیّز الأحاسیس فی السنوات القادمة!
۳. رُبّما یقدر الإنسان علی اختراع أداة فی المستقبل تمیّز أحاسیسه!
۴. لعلّ البشر یخترع فی القادام أداة تمیّز الأحاسیس!

۲۳. « هیچ کاری بهتر از تحمل سختی های زودگذر در دنیا نیست! »:

۱. لا عملاً أحسن من تحمل المشتتات المتأخّرة فی الدّنیّا!
۲. لیس عملٌ أحسن من تحمّل المشاكل العديدة فی الدّنیّا!
۳. لا یوجد عملٌ أفضل من تحمیل المصاعب العارضة الدنیویّة!
۴. لا عملٌ أحسن من تحمّل المصاعب العارضة فی الدّنیّا!

۲۴. « امید است هم کلاسی های من در کلاس پیچ نچ نکنند تا درس را بفهمند! »:

۱. لعلّ زملائی لا یتهامسون فی الصّف حتّی یفهموا الدّرس!
۲. لیت زمیلاتی لا یتهامسن فی الصّف حتّی تفهموا الدّرس!
۳. لعلّ زمیلاتی لا یتهامسن فی الصّف حتّی یفهمن الدّرس!
۴. لعلّ زملائی فی الصّف لا یتهامسون حتّی یفهمون الدّرس!

۲۵. عین الصّحیح:

۱. هیچ دگرگونی در سنت های الهی نیست! : لا تبدیل للسنن الإلهیّة!
۲. هیچ ارزشی برای علم بی عمل نیست! : لا قیم لعلوم لیس له عمل!
۳. هیچ یاسی در دل بنده صالح راه ندارد! : لا ینفذ الیأس فی قلب العبد الصالح أبداً!
۴. هیچ عاقلی را نمی شناسم که از تجارب عبرت نگیرد! : لا أعرف العاقل لم یعتبر بالتجارب!

٢٦. عَيِّنِ الجواب الذى كَلَّ كلماته من الحروف المشبهة بالفعل:

١. إِنْ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ ، كَأَنَّ ٢. لَكِنْ ، أُنَّ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ ٣. إِنْ ، أُنَّ ، كَأَنَّ ، لَيْتَ ٤. أُنَّ ، لَكِنْ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ

٢٧. عَيِّنِ ما فيه كلمة غريبة (حسب القواعد):

١. إِنْ ، مَن ، ما ، لَمْ ٢. كَأَنَّ ، لَيْسَ ، صَارَ ، لَيْتَ ٣. أُنَّ ، لَنْ ، كَى ، حَتَّى ٤. مِنْ ، فِى ، عَلَى ، حَتَّى

٢٨. عَيِّنِ الصَّحِيحَ فى قراءة « ان » فى العبارة التالية حسب الترجمة و القواعد:

« ان أكثر النَّاسِ يعتقِدون ان الإسلام منع المرأة ان تحضر فى المجتمع! »

١. إِنْ ، إِنْ ، إِنْ ٢. أُنَّ ، أُنَّ ، أُنَّ ٣. إِنْ ، أُنَّ ، أُنَّ ٤. إِنْ ، إِنْ ، إِنْ

٢٩. عَيِّنِ الخطأ فى التشكيل لحرف « ان »:

١. إِنْ مثل العلماء فى الأرض كمثّل النُّجوم فى السَّماء! ٢. إِنْ تتناول الطعام مع والديك يُكتسب رضاها!

٣. علينا أَنْ نعظّم شعائر الله فى جميع الأحوال! ٤. لا أَشْكُ أَنْكُمُ لَنْ تكذبوا أبداً فى حياتكم!

٣٠. عَيِّنِ الخطأ لتكميل الفراغات:

١. « قل الله قادر على ينزل آية » : إِنْ - أُنَّ

٢. تحسّن إلى والديك فاعلم أجرك على الله! : إِنْ - أُنَّ

٣. الَّذِينَ آمنوا يجب عليهم يصلّوا خمس مرّات فى اليوم! : إِنْ - أُنَّ

٤. هل تصدّق الدلافين تستطيع ترشدنا إلى مكان غرق السفن؟ : أُنَّ - إِنْ

٣١. عَيِّنِ الخطأ عن قراءة « ان » فى العبارات التالية:

١. نريد ان نساfer إلى جزيرة كيش بالطائرة! : أُنَّ ٢. ان تؤمن بيوم البعث فلا يحزنك ظلم الظالمين! : إِنْ

٣. لا تحسب ان النجاح ينزل من السماء جاهزاً! : أُنَّ ٤. من يتب إلى الله توبة نصوحاً فان الله غفور رحيم! : إِنْ

٣٢. « أنتم مجتهدون فى القيام بأُموركم! » عَيِّنِ الصَّحِيحَ مع « ليت »:

١. ليت أنتم مجتهدون! ٢. ليتكم مجتهدون!

٣. ليتكم أنتم مجتهدين! ٤. ليتكم مجتهدين!

٣٣. عَيِّنِ عبارة تدلُّ على « التمنى »:

١. « يقول الكافر يا ليتنى كنت تراباً » ٢. كأنَّ إرضاء جميع النَّاسِ غاية لا تدرك!

٣. لعلَّ المودة تستقرّ بين جميع النَّاسِ فى العالم! ٤. « عسى أن تكرهوا شيئاً و هو خير لكم »

٣٤. عَيِّنِ الصَّحِيحَ عن نوع « لا »:

١. لا تعلّم يغنيانا من الأستاذ. (نافية) ٢. « ألا بذكر الله تطمئن القلوب » (نافية للجنس)

٣. طوبى لمن لا يهتم بزخارف الدنيا. (ناهية)
٤. لا دين لمن لا عهد له. (نافية للجنس)

٣٥. عَيْن الصَّحِيح عن تعيين نوع « لا » فى العبارات التالية:

١. لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه! : نافية
٢. لا تتكلم بناتى عن عيوب الآخرين أبداً! : ناهية
٣. « لا علم لنا إلا ما علمتنا ». النافية للجنس
٤. العاقل يغتنم فرصاً تسنح له لا الجاهل! : النافية للجنس

٣٦. عَيْن « لا » النافية:

١. « يا أيها الذين آمنوا لا يسخر قومٌ من قومٍ »
٢. علينا أن نبتعد عن العجب و ألا نذكر عيوب الآخرين!
٣. تنصحن الآيات الكريمة و تقول: لا تلقبوهم بألقاب يكرهونها!
٤. لن تجد على الكرة الأرضية شخصاً لا عيب فيه!

٣٧. عَيْن الخطأ فى نوع الحروف العاملة فى العبارة على الترتيب:

١. « قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » : (مِنْ الحروف المشبهة بالفعل - مِنْ الحروف الجارّة)
٢. « إِنَّا جَعَلْنَاهُ قرآنًا عربيًّا لعلَّكُمْ تعقلون » : (مِنْ الحروف المشبهة بالفعل - مِنْ الحروف المشبهة بالفعل)
٣. لا كنز أغنى من القناعة! : (نافية للجنس - مِنْ الحروف الجارّة)
٤. لتلزم الأمانة لا الخيانة! : (مِنْ الحروف الجارّة - نافية للجنس)

٣٨. عَيْن الخطأ فى نوع « لا »:

١. هذه سنة قد جعلها الله بأنه لا تقدّم مع الجهل! (نافية للجنس)
٢. لا نتوقع الخير إلا من كدّ يميننا و فضل ربنا! (نافية)
٣. لا تطلب الأمة المتكاسلة التقدّم و النّجاح! (ناهية)
٤. لا ترجوا الخير ممّن حقّر نفسه و أهانها! (نافية)

٣٩. عَيْن الصَّحِيح فى « لا » النافية للجنس:

١. هذا شاعرٌ جليل لا تاجرٌ نشيط !
٢. قلت لزميلتى: لا شكّ فى انتصار الحقّ!
٣. لا يذهبُ المؤمنُ إلى مجالس السوء!
٤. أيّها الغنى ! لا إنفاقَ الأموال إلا فى سبيل الله!